

Epistemological Foundations for Elements of Popular Culture in Poetry for Children and Young Adults

Maryam Kamali*

Hossein Novin **, Asgar Salahi ***

Abstract

Poetry for children and young adult refers to a category of conceptual poems involving a variety of themes for educating and informing the audience. Among these themes are the elements of popular culture. In this study using a descriptive-analytical method, an attempt is made to investigate and explain important elements of popular culture which poets in the field of children and young adult literature have served as a means for educational and moral purposes and for the enlightenment of individuals in society. To this end, the poems of the last three decades were studied. Then, their prominent cultural elements were extracted and the relevant objectives were analyzed. The research findings show that by using the elements of popular culture, poets of the children and young adult literature have contributed to the preservation and protection of the culture and national identity of the community, in addition to presenting a clear picture of the society's culture and teaching cultural issues. They have considered the role of both (material and immaterial) elements of the popular culture as necessary to recognize and sustain the culture of society and pointed out to a wide range of educational, moral, and psychological principles using such cultural

* Ph. D. Student in Persian Language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili,
m_kamali28@yahoo.com

** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili
(Corresponding Author), drnovinh92@gmail.com

*** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili,
a_salahi@uma.ac.ir

Date received: 07/05/2020, Date of acceptance: 12/08/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

components. Indeed, the application of cultural elements in poetry of children and young adults reveals an epistemological and educational approach in nature.

Keywords: Education, Training, Knowledge, Poetry in Children and Young Adults, Elements of Popular Culture.

مبانی معرفتی عناصر فرهنگ عامه در اشعار کودک و نوجوان

مریم کمالی*

حسین نوین**، عسگر صلاحی***

چکیده

شعر کودک و نوجوان از جمله شعرهای مفهومی است که برای آموزش و آگاهی مخاطبان، در آن مضامین متنوع گنجانده شده است. از جمله این مضامین عناصر فرهنگ عامه است. در این مقاله سعی بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی، عناصر فرهنگ عامه بررسی و تبیین شود که شاعران حوزه کودک و نوجوان آن را هم‌چون ابزاری برای اهداف تربیتی و اخلاقی و روشن‌گری آحاد جامعه به‌کار برده‌اند. به این منظور، اشعار سه دهه اخیر بررسی و عناصر مطرح فرهنگی در این اشعار استخراج و اهداف مربوطه تحلیل شده است. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاعران حوزه کودک و نوجوان با کاربرد عناصر فرهنگ مردم، علاوه بر ارائه تصویری از فرهنگ جامعه خود و آموزش مسائل فرهنگی، موجبات حفظ و صیانت فرهنگ و هویت ملی خویش را فراهم آورده‌اند. آن‌ها نقش هر دو عنصر فرهنگ عامه (مادی و غیرمادی) را در شناخت و تداوم فرهنگ جامعه ضروری دانسته و با مؤلفه‌های فرهنگی، بسیاری از مبانی تربیتی، اخلاقی، روان‌شناسی، و ... را خاطرنشان کرده‌اند. در واقع، کاربرد عناصر فرهنگی توسط شاعران این حوزه رویکرد معرفتی - تربیتی دارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، تربیت، معرفت، اشعار کودک و نوجوان، عناصر فرهنگ عامه.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، m_kamali28@yahoo.com
** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)، drnovinh92@gmail.com
*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، a_salahi@uma.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲

۱. مقدمه

فرهنگ عامه (فولکلور) که بخشی از فرهنگ ملت‌ها شمرده می‌شود در اصل ریشه در گذشته و زندگی اقوام و ملل دارد و مطالعه آن گویای سنت‌های قومی و ارزش‌های انسانی است. این بخش شامل مجموعه باورها، آداب و رسوم، جشن‌ها، و ... است که حوزه‌ای گسترده دارد و در طول تاریخ همگان سازنده آن‌اند (ذوالفقاری ۱۳۹۴: ۱۰). یکی از وجوه برجسته فرهنگ مردم در برخورداری آن از ارزش ملی و فراملی است. ارزش جهانی آن از آن‌روست که دانش عامه هر ملتی آینه ذوق و هنر و وسیله خوبی در راه شناختن خصوصیات آن قوم است و چون اغلب با فولکلور ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی، و مذهبی دارد، می‌تواند پیام‌آور دوستی ملتی با ملل دیگر باشد. اما از جنبه ملی، فرهنگ عامه هر ملتی در حکم شرح احوال و تصویر آداب و عادات آن قوم، و روشن‌گر سوابق تاریخی و نشان‌دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم آن کشور است، به‌ویژه در سرزمینی چون ایران با طوایف متعدد، وقتی فولکلور هر منطقه را جداگانه بررسی کنیم، می‌بینیم با وجود اختلافات ظاهری منبع آن‌ها یکی است و این خود محکم‌ترین سند وحدت قومی ایرانیان است (همان، به نقل از انجوی شیرازی: ۹).

شاعران و نویسندگان با بازتاب عناصر فرهنگ عامه (یکی از عوامل وحدت اقوام) در آثار خود در احیا و انتقال آن تلاش می‌کنند. یکی از حوزه‌هایی که عناصر فرهنگ عامه با اهداف پرورش فکری و عاطفی، معرفتی، تعلیمی، تربیتی، و هم‌چنین انتقال به نسل‌های آتی مطرح شده شعر کودک است، زیرا پیوند کودک و فرهنگ عامه خود زمینه طرح این موضوع را در این حوزه فراهم کرده است. کودکان از آن هنگام که در گهواره‌اند با لالایی (ابتدایی‌ترین شعر) و بعدها با انواع اشعار عامیانه چون بازی - ترانه، قصه‌های کوتاه منظوم، چیستان‌ها، و معماها به‌منزله شاخه‌های فرهنگ عامه آشنا می‌شوند. آن‌ها ابتدا شیفته ضرب‌آهنگ و موسیقی کلام می‌شوند و شعر را نوعی بازی کودکانه تلقی (قزل ایاغ ۱۳۹۲: ۲۲۲) و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. این آشنایی اولیه موجبات درک کودک از این نوع ادبی را فراهم می‌آورد. علاوه‌براین، شعر کودک را می‌توان مناسب‌ترین حلقه ارتباطی در آموزش به کودکان دانست که می‌تواند علاقه آن‌ها را به خود جذب کند، زیرا هر کودکی سه ویژگی دارد: نخست، کاملاً دارای عاطفه و احساس است؛ دوم، قدرت تخیل زیادی دارد؛ و سوم، بسیاری از حرف‌ها و حرکات او از وزن و آهنگی خاص برخوردار است. این سه ویژگی در شعر هم باید وجود داشته باشد تا مقبول واقع شود. اشتراک این سه ویژگی میان شعر و کودک باعث می‌شود که کودکان شعر را بیش‌تر دوست

مبانی معرفتی عناصر فرهنگ عامه در اشعار کودک و نوجوان (مریم کمالی و دیگران) ۱۶۹

داشته باشند. از این رو، شعر در ادبیات کودک جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است (شعبانی ۱۳۸۶: ۱۱۲).

پس شعر کودک، به منزله نوعی از شعر مفهومی و باتوجه به جایگاهش، می تواند در کنار خانواده و مدرسه راهی آسان در انتقال باورها و آداب و رسوم نیاکان به نسل های آینده باشد و طرح عناصر فرهنگ عامه در شعر کودک نیز می تواند ابزاری در پرورش فکر و عاطفه، معرفت، تعلیم و تربیت، و به طور کلی اندیشه زایی باشد. از آن جاکه ادبیات دارای برخی اهداف فرهنگی و اجتماعی مؤثر است و به خصوص در پرورش عاطفی و فکری نقش زیادی دارد (کاتبی ۱۳۵۶: ۱۱۱)، این مقاله تلاش می کند تا عناصر فرهنگ مردم در اشعار کودک و نوجوان سه دهه اخیر و علت استفاده شاعران از این عناصر را بررسی کند. این بررسی نشان می دهد که شاعران با کاربرد عناصر مادی و معنوی فرهنگ، علاوه بر آموزش آن ها و ارائه تصویری از فرهنگ جامعه خود، در احیا و انتقال عناصر فرهنگی تلاش کرده اند. آن ها نقش هر دو عنصر سازنده فرهنگ عامه را در شناخت و تداوم فرهنگ جامعه ضروری دانسته و هر دو را هم چون ابزاری برای آموزش بسیاری از مبانی تربیتی، اخلاقی، روان شناسی، و ... استفاده کرده اند، چنان که با بیان برخی از عناصر معنوی چون جشن ها و رسوم، علاوه بر شناساندن بخشی از مبانی هویت ملی، موجبات حفظ و صیانت فرهنگ و هویت ملی خویش را فراهم آورده اند و به تحکیم روابط خویشاوندی و خانوادگی نیز تأکید کرده اند یا هدفشان از کاربرد چیستان و لالایی ها آموزش، سرگرمی، رشد عواطف و هیجانات، پرورش ذهنی مخاطب، و شکل گیری شخصیت اجتماعی وی بوده است. هم چنین، زمانی که از عناصر مادی ای چون آثار و بناهای تاریخی و ... در شعر سخن رانده اند، هدفشان (علاوه بر معرفی) آگاهی از هویت، فرهنگ، تمدن و تاریخ، شناساندن ارزش آثار تاریخی، ایجاد پیوند فرهنگی بین نسل ها، و ... بوده است.

ضرورت و اهمیت این پژوهش در آن است که مطالعه این موارد، ضمن نمایان کردن نقش شاعران و اهدافشان از کاربرد عناصر فرهنگی و هم چنین کارکرد معرفتی و تربیتی این عناصر، موجب می شود زوایای تاریک فرهنگ مردم در اشعار کودک و نوجوان نیز روشن و بعدها برای آموزش استفاده شود.

۱.۱ روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و با مراجعه به منابع کتابخانه ای انجام گرفته است، به این ترتیب که با مطالعه اشعار حوزه کودک و نوجوان سه دهه اخیر،

یادداشت‌برداری عناصر فرهنگ عامه از آن آثار، و دسته‌بندی آن مؤلفه‌ها به صورت مادی و معنوی به تبیین و تحلیل آن‌ها از دید تربیتی، اخلاقی، و معرفتی پرداخته شده است.

۲.۱ پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه «مبانی معرفتی عناصر فرهنگ عامه در شعر کودک و نوجوان» صورت نگرفته، اما پژوهش‌هایی مرتبط با آن انجام گرفته است:

محمدهادی محمدی و زهره قائینی (۱۳۹۰) در جلد اول *تاریخ ادبیات کودکان ایران* در بخش کوتاهی از فرهنگ عامه سخن رانده و کارکردهای اولیه لالایی، ترانه، و چیستان را بیان کرده‌اند. در این کتاب به کارکرد دیگر عناصر پرداخته نشده است.

کمال پولادی (۱۳۸۷) در کتاب *بنیادهای ادبیات کودک فصلی* را به قصه‌های فرهنگ عامه و ارزش کاربردی آن‌ها در کتاب‌های کودکان اختصاص داده است. او فقط به یک عنصر (قصه) توجه کرده و دیگر عناصر فرهنگی را مدنظر قرار نداده است.

اسدالله شعبانی (۱۳۸۳) در مقاله «ما گل‌های خندانیم، فرزندان ایرانیم» فرهنگ عامه را یکی از علل گிரایی شعر کودک دانسته است، اما از کارکردها و اهدافی که می‌توان برای فرهنگ عامه در این حوزه دنبال کرد سخن نگفته است.

ای. کولینان (۲۰۰۲) در کتاب *ادبیات و کودک* بخشی را به فرهنگ عامه به‌منزله یکی از ژانرهای ادبیات کودکان اختصاص داده است.

در زمینه آموزش مبانی معرفتی در حوزه شعر کودک و نوجوان به‌روشنای غیرمستقیم نیز تحقیقاتی صورت گرفته است:

رامین محرمی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی تطبیقی شعر کودک در هوپ‌هوپ‌نامه علی‌اکبر صابر و دیوان نسیم شمال» بیان می‌کند که استفاده از نماد، فابل، و شخصیت‌بخشی برای ملموس‌سازی حقایق زندگی و تعلیم مباحث دینی، اخلاقی، و آموزشی از شیوه‌های شاعری شاعران مذکور است. این مقاله فقط از نقش پاره‌ای شیوه‌ها چون نماد، فابل، و شخصیت‌بخشی در تعلیم غیرمستقیم، آن هم در دو اثر منتخب خود، سخن رانده است.

کمال پولادی (۱۳۸۷) در فصل هفتم کتاب *بنیادهای ادبیات کودک* نقش قصه‌های فانتزی از جمله قصه‌های پریان، اسطوره‌ها، و حماسه‌ها را در رشد عاطفی و اجتماعی کودک مهم دانسته و از نقش عناصر فرهنگی دیگر سخن نگفته‌اند.

۲. بررسی و تحلیل عناصر فرهنگی

یکی از مؤلفه‌های مهم هویت ملت‌ها فرهنگ است. فرهنگ هر ملتی آمیزه‌ای از عناصر مختلف است که در ارتباط با یک‌دیگر فرهنگ ملی را می‌سازند. فرهنگ عامه یکی از این عناصر محسوب می‌شود. این شاخه از فرهنگ از دو عنصر معنوی و مادی تشکیل یافته است.

۱.۲ عناصر معنوی فرهنگ

این بخش شامل باورها، آیین‌ها، رسوم، و ... است که روی هم رفته عناصر معنوی فرهنگ عامه محسوب می‌شوند. شعر کودک و نوجوان با بسیاری از این عناصر آمیخته است. شاعران با آموزش این بخش از فرهنگ، علاوه بر نشان دادن ارزش آن و فراموشی در میان نسل‌های آینده، از توان و امکانات عناصر آن در معرفت و آموزش کودکان و نوجوانان بهره جسته‌اند. مهم‌ترین این عناصر عبارت‌اند از:

۱.۱.۲ لالایی

لالایی‌ها بخش مهمی از فرهنگ عامه محسوب می‌شوند و «هم‌زمان شعر و موسیقی و رقص را به اجرا درمی‌آورند، شعری برآمده از جان زلال مادر و موسیقی برخاسته از زبان شیرین او با اجرای رقص موزون کودک در گهواره یا زانوی مهربان مادر» (حسن‌لی ۱۳۸۲: ۶۳).

مطالعه‌ی لالایی‌های هر ملتی می‌تواند ما را با فرهنگ و هویت گذشتگان آشنا کند، زیرا در بستر لالایی‌ها گاهی مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز به‌نمایش درمی‌آیند.

شاعران بخشی از شعر کودک را به لالایی‌ها اختصاص داده‌اند. آن‌ها با گنجاندن مضامین لالایی‌های قدیم در لالایی‌های امروزی سعی کرده‌اند میان‌شان پلی بزنند و مانع فراموشی این عنصر فرهنگی و مضامین آن شوند. این درحالی است که شاعران با بیان هر یک از این مضامین علاوه بر توجه به عناصر فرهنگی و حفظ آن‌ها از دیگر اهداف خود چون رشد عواطف کودک و آموزش وی غافل نبوده‌اند. یکی از مضامین مشترک لالایی‌های قدیم و امروزی با کارکرد آموزشی تشبیه کودک به مظاهر طبیعت است.

- لالا لالا لالا / گل زیبای من لالا / گل باغ و چمن لالا / مکن‌ای باد شب هوهو / مرو آن سو، مرو این سو / که خوابیده گلی خوشبو / میان سبزه‌ها گل‌ها (شعبانی ۱۳۸۷: ۶).

شاعر با تشبیه کودک به گل زمینه آشنایی او با طبیعت و عناصر آن چون گل، چمن، و باغ را فراهم می‌کند، به گونه‌ای که کودک در قالب این لالایی با طبیعت خو می‌گیرد و آن را یکی از نمودهای زیبایی می‌شناسد.

یکی دیگر از مضامین مشترک نیز که از عواطف مادرانه نشئت می‌گیرد قربان صدقه رفتن و دعای مادر در حق فرزند است. این لالایی‌ها بیش‌تر با هدف رشد عواطف کودک و تحریک احساسات وی مطرح می‌شود.

- لالا لالا شب تاره/ گلم تب داره، بیماره/ خدا از باد پاییزی/ نهالم را نگه داره
(اسلامی ۱۳۹۳: ۳۰).

در این لالایی، مادر با تشبیه کودک به نهال دعا می‌کند خداوند نگه‌دار او باشد. پاره‌ای از مضامین نیز شامل ترساندن از موجودات خیالی است که هدف از آن، درکنار به خواب رفتن کودکان، آشنایی اولیه آن‌ها با هیجان‌ات روحی از جمله ترس است.

- لالا لولوی شب، لالا/ گلم خوابیده این بالا/ نکرده هیچ شیطونی/ برو بیرون همین حالا/ لالا لولو! برو بیرون/ از این خونه، از این ایوون/ که این گل‌برگ زیبا رو/ نمی‌دم دست این و اون (همان: ۴۵).

اما نکته‌ای که در لالایی‌های امروزی برخلاف لالایی‌های قدیم دیده می‌شود صحبت از مسائل فلسفی است. اگرچه صحبت از این‌گونه مسائل برای کودک چندان قابل درک نیست، گاهی در لالایی‌های امروزی نمایان می‌شود. شاعران در این لالایی‌ها بیش‌تر توجه مخاطب را به دنیا و تغییرات آن و نیز به ارزش عمر جلب می‌کنند.

- لالا لالا بخواب دیره/ زمستون هم یه روز می‌ره/ همیشه چهره دنیا/ گلم در حال تغییره/ یه روز گرمه، یه روز سرده/ یه روز شادی، یه روز درده/ لالا لالا فقط عمره/ که هرگز بر نمی‌گرده (همان: ۴۱).

شاعر با مقابل هم قراردادن تضادهای زندگی چون شادی و غم یا گرما و سرما می‌گوید: هیچ چیز در دنیا پایدار نیست و باید این را بپذیریم و متوجه ارزش عمر باشیم. گفتنی است اگرچه در گام اول مضمون بیش‌تر لالایی‌ها تأکید بر این است که بچه جان، راحت بخواب! مامانت این جاست! تو تن درستی و دلیلی برای بی‌تابی کردن نیست! (سرامی ۱۳۸۰: ۱۴)، اما هدف از کاربرد آن‌ها در شعر کودک آموزشی، تربیتی، و رشد عواطف و هیجان‌ات و درکل شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک نیز است.

۲.۱.۲ چیستان

چیستان از دیگر عناصر فرهنگ عامه و بخشی از شعر کودک و نوجوان است. هدف از طرح این عنصر فرهنگی در شعر کودک، علاوه بر نقش مؤثر آن در یادگیری، در جهت کارکرد این عنصر است، یعنی آموزش، تربیت، تحریک حس کنج‌کاوی، ایجاد سرگرمی، رقابت‌های مثبت و پرورش روحیه حاضر جوابی، تبیین جهان‌بینی و تمایلات انسانی، و آزمایش و سنجش هوش (ذوالفقاری ۱۳۹۴: ۲۷۵-۲۷۶).

چیستان‌های مطرح در این حوزه از نظر موضوع در چند دسته قرار می‌گیرند:

- دسته پدیده‌های طبیعی

در این گونه از چیستان‌ها گوینده می‌کوشد مشخصات دور و نزدیک عناصر طبیعت و مظاهر آفرینش را بپرسد (همان: ۲۷۷). هدف از این پرسش در شعر کودک بیش‌تر آموزش پدیده‌ها به مخاطب است، چنان‌که شاعر، در قالب چیستان زیر و با استفاده از صنعت تشبیه، ماه را به منزله یکی از پدیده‌های طبیعی معرفی می‌کند. چیستان به گونه‌ای مطرح می‌شود که علاوه بر جنبه آموزشی، با استفاده از کلماتی چون قدقدقا و مرغ و جوجه قصد سرگرمی کودک را نیز دارد.

ماه: اون چیه که قدقدقا/ نشسته اون بالا بالا/ مرغ طلاست که شب‌ها/ هزار هزار جوجه داره /... / صبح که می‌شه خورشید خانم/ مرغ طلا رو می‌خوره/ همه جوجه‌ها رو می‌خوره (رحماندوست ۱۳۹۳ الف: ۸).

- دسته جان‌داران

این نوع از چیستان‌ها نیز شامل نام، اعضا، و رفتار جان‌داران اعم از انسان و حیوان است (ذوالفقاری ۱۳۹۴: ۲۷۸). جنبه معرفتی این گونه چیستان‌ها در این است که کودکان از جان‌داران، خصوصیات، و محیط زندگی‌شان شناخت حاصل می‌کنند.

ماهی: اون چیه که قشنگه؟/ شناگری زرنگه؟/ خونه‌اش کجاست؟/ تو تنگ آب/ نه سقف داره، نه تخت خواب (رحماندوست ۱۳۹۳ د: ۲).

در این چیستان، شاعر ضمن تأکید بر جنبه آموزشی (شناخت ماهی)، با راه‌نمایی‌های لازم و به‌چالش کشیدن حس کنج‌کاوی کودک، سعی کرده است وی به پاسخ برسد.

- دسته بی‌جان‌ها

در این گونه چیستان‌ها از مکان، خوراک، پوشاک، و اشیا سؤال می‌شود (ذوالفقاری ۱۳۹۴: ۲۷۸). اگرچه این چیستان‌ها از وسایل اطراف کودک طرح می‌شود، شاعر از ذکر آن‌ها قصد آموزش و آشنایی با محیط و اشیای پیرامون را دارد.

پنیر: اون چیه که سفیده/ خوش مزه و تمیزه/ تو انگلیسی «چیزه»/ با صبحانه، با پیتزا/ می‌آد به خونه‌ی ما/ شیر بوده، اما شیر نیست/ بگو که اسم اون چیست؟ (رحماندوست ۱۳۹۳ ب: ۸).

در این چیستان شاعر، جدا از واداشتن کودک به تکاپوی فکری، به صورت مستقیم مشخصات پنیر را می‌گوید و غیرمستقیم معادل انگلیسی کلمه پنیر را آموزش می‌دهد.

- دسته رستنی‌ها

در این چیستان‌ها نیز کودک نه تنها با انواع رویدنی‌ها آشنا می‌شود، بلکه از طعم، شکل، فواید، و رنگ آن‌ها نیز آگاهی می‌یابد (ذوالفقاری ۱۳۹۴: ۲۷۸).

نارنگی: اون چی چیه، اون چیه/ گرده و نارنجیه/ یه توپ نازنینه/ آب‌داره و شیرینه/.../ خواهر پرتقاله (رحماندوست ۱۳۹۳ ج: ۴).

در این مورد شاعر علاوه بر معرفی نارنگی، با تشبیه آن به توپ، یکی از وسایل بازی کودکان، و هم‌چنین صنعت تشخیص، به نوعی کودک را سرگرم و درعین حال مشتاق به پاسخ‌دهی کرده است.

۳.۱.۲ آیین‌های ملی

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در نگه‌بانی از هویت ایرانی جشن‌ها و رسوم ملی است که به دلیل دیرینگی و فراگیری از اهمیت والایی برخوردارند. این رسوم از عهد کهن در ایران وجود داشته‌اند و تحولاتی مانند ظهور اسلام یا گسترش ارزش‌ها و هنجارهای غربی نه تنها آن‌ها را از میان نبرده است، بلکه در پی استمرار و مداومت به بخشی از هویت ایرانیان تبدیل شده‌اند (نصیری ۱۳۸۷: ۱۸۶).

در شعر کودک و نوجوان، شاعران نه تنها سعی کرده‌اند با بیان این جشن‌ها موجبات حفظ و صیانت فرهنگ و هویت ملی خویش را فراهم آورند، بلکه کوشیده‌اند کودکان از همان کودکی به رسوم آگاه شوند و هویت‌شناس به‌بار آیند.

عید نوروز از جشن‌های ایرانیان است. اشاره به سنت‌ها و آداب و رسوم عید نوروز چون سبزه‌رویانیدن، چیدن سفره هفت‌سین، دیدوبازدید، عیدی‌دادن، خانه‌تکانی، و ... در اشعار کودک و نوجوان به‌ویژه از همان رده‌های سنی پایین کاملاً مشهود است که حاکی از اهمیت‌دادن شاعران و جلب توجه کودکان به این عنصر هویتی و فرهنگی و هم‌چنین نمایش باورهای خفته در بطن این رسوم است. برای مثال، در فرهنگ و باور ایرانی یکی از

دلایل رویانیدن سبزه این است که آغاز سال با سرسبزی شگون داشته باشد و سبزه در این ایام نماد بهار است. در شعر کودک نیز می‌بینیم شاعر برای رساندن این پیام کودک را در موقعیتی قرار داده است که وقتی دانه جوانه‌زده را می‌بیند، آن را بهار کوچک می‌شمارد، بهاری که پیک سرسبزی و زنده‌شدن طبیعت است.

- مادرم یک کاسه گندم/ خیس کرد و منتظر ماند/.../ دانه‌های کوچک او/ رشد کرد و زد جوانه/ او بهار کوچکی را/ هدیه آورده به خانه/ با بهار کوچک او/ با دعای خوب بابا/ شد پر از لبخند و شادی/ هفت‌سین سفره ما (شهبازی ۱۳۹۵: ۱۰).

چیدن سفره هفت‌سین از دیگر رسوم ویژه نوروز است که شاعران کودک و نوجوان در آموزش آن گام‌هایی برداشته‌اند که نتیجه آن آشنایی با بخشی از هویت فرهنگی و ایرانی و هم‌چنین رنگ‌نباختن آن رسوم با ذکرشان است.

- اتل متل، عید/ اومد دوباره/ نوروزه فردا/ فصل بهاره/ نسیم و بارون/ ابرای چین‌چین/ بیا بچینیم/ سفره هفت‌سین/ می‌رسه مهمون/ از دور و نزدیک/ سلام، روبوسی/ عیدی و تبریک (کشاورز ۱۳۹۲: ۴).

کودک در قالب این شعر، علاوه‌براین که درمی‌یابد نوروز در بهار (که نشان‌دهنده سرزندگی و نشاط طبیعت است) جشن گرفته می‌شود و سفره‌چیدن از رسوم اصلی است، با رسوم عمده دیگر چون دیدوبازدید نیز آشنا می‌شود.

چهارشنبه‌سوری از جشن‌هایی است که شاعران با ذکر آن نکته‌های تربیتی مدنظرشان بوده است، چنان‌که در شعر زیر شاعر، ضمن کاربرد این عنصر، مخاطبان را متوجه احترام به حقوق هم‌دیگر می‌کند و از کارهای مخاطره‌آمیز برحذر می‌دارد:

- تنق تنق، ترق تورو/ نارنجک و آژیر و بوق/ آتیش رسید به آسمون/ کوچه شده شلوغ پلوغ/ خیابونا راه‌بندونه/ برو بیا فراوونه/.../ اونایی که مریض دارن/ آخه باید چیکار کنن؟/.../ مادر بهش گفت عزیزم/ گلدون جوون! گول نخوری/ آتیش‌بازی خطر داره/ نری به چهارشنبه‌سوری/ ببین چه کار زشتیه/ که مردمی ترسونن/ ببین تن مریضا رو/ با هر صدا می‌لرزونن (پرشاد ۱۳۸۹: ۱۲۴).

یلدا دیگر جشن باستانی است که در شعر کودک توجه ویژه‌ای به آن شده است. شاعران با صحبت از یلدا و آداب خاص آن چون دورهم‌نشینی شبانه، شاه‌نامه‌خوانی، و خوردن میوه‌های مخصوص یلدا چون انار و هندوانه گام بزرگی را در شناسایی بخشی از مبانی هویت ملی برداشته‌اند، اگرچه با تأکید بر هرکدام از این آداب جنبه‌های معرفتی را نیز

در نظر داشته‌اند، چنان‌که با یادآوری قصه‌های رستم، علاوه‌بر توجه به جنبه‌های حماسی و پهلوانی، به‌صورت غیرمستقیم درس شجاعت را به کودک نیز آموزش داده یا با اشاره به دوره‌م‌نشینی شبانه به تحکیم روابط خویشاوندی و خانوادگی نظر داشته‌اند.

غروب که شد، مهمونا/ با بچه‌ها رسیدند/ وقت غذا رو کرسی/ سفره‌شام رو چیدند/ بعد از غذا بزرگا/ شاه‌نامه‌خونی کردند/ با قصه‌های رستم/ یاد جوونی کردند/.../ مادر گذاشت رو کرسی/ انار و هندوونه/ آدم‌برفی می‌لرزید/ توی حیات خونه/.../ مهمونا آخر شب/ رفتند خونه‌هاشون/ نسیم یلدا وزید/ به‌روی گونه‌هاشون/ چله تو کشور ما/ شروع فصل سرماست/ نام لطیف امشب/ اسم قشنگ یلداست (شفیعی مشعوف ۱۳۹۲: ۳-۱۲).

۴.۱.۲ زبان عامه

زبان یکی از اصلی‌ترین عناصر هویتی جوامع به‌شمار می‌آید. این پدیده اجتماعی در همه جوامع کاربرد یک‌سانی ندارد. در واقع، «زبان کاربردی هر جامعه و در هر دوره یا زبان معیار رسمی است یا زبان عامه مردم» (ذوالفقاری ۱۳۹۴: ۳۶۹). زبان عامه «غالباً هر واژه و اصطلاح و عبارت آن ریشه در اعماق عقاید، باورها، آداب و سنت‌ها، و تجربه‌های گوناگون محیطی و اجتماعی و قومی دارد که در طول سالیان متمادی شکل یافته‌اند» (دین‌محمدی کرسفی ۱۳۸۴: ۸۷).

در شعر کودک و نوجوان، شاعران از هر دو زبان عامه و رسمی برای بیان سخن خود سود جسته‌اند، اما گفتنی است کاربرد زبان عامه در گروه‌های سنی پایین‌تر رایج‌تر است. پاره‌ای از عناصر برجسته زبان عامه در شعر کودک و نوجوان عبارت‌اند از:

- مثل

مثل یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ مردم است که در تعریف آن گفته‌اند: جمله‌ای مختصر به نظم یا نثر یا قاعده اخلاقی است که از فرط سادگی، روانی، و ایجاز همگان آن را استشهاد کنند (حکمت ۱۳۸۷: ۶۵). امثال، علاوه‌بر انعکاس باورها و شرایط اجتماعی و فرهنگی گذشتگان، ضبط‌کننده وقایع و حکایات و عهده‌دار ضبط و نگه‌داری بعضی لغات و اصطلاحات زبان نیز هستند (بهمنیار ۱۳۶۹: ی).

استفاده شاعران از مثل در موقعیت‌های متفاوت، علاوه‌بر نشان‌دادن توجه آن‌ها به این عنصر فرهنگی، نشان‌دهنده چگونگی رفع ابهام و تبیین سخن به‌وسیله مثل و هم‌چنین آشنایی کودک و نوجوان با نحوه کاربرد آن در موقعیت‌های مختلف است.

- مادرش از راه رسید / داد کشید: «خونه رو ریختی به هم / ای پسر بدشکم / می خوری و می ریزی / دست می کنی تو دیزی؟!» / علی کوچولو دست پاچه شد خیلی زود / گفت: «ننه جون من نبودم، گربه بود» / مادر از این دروغ او / خندید و گفت: «ای شکمو / دیزی درش بازه ولی / بگو حیای گربه کو؟» (شعبانی ۱۳۹۱: ۸).

چنان که می بینیم، استفاده شاعر از این مثل آگاهانه است. وی ابتدا از خراب کاری کودک سخن می گوید و بلافاصله از مثل استفاده می کند تا مخاطب هم با موقعیت و مفهوم مثل و هم با نحوه کاربرد آن آشنا شود.

- کنایه

کنایه نیز یکی از اجزای زبان عامه محسوب می شود. در واقع، کنایه «یکی از صورت های بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است. بسیاری از معانی را که اگر با منطق عادی گفتار ادا کنیم لذت بخش نیست و گاه مستهجن و زشت می نماید، از ره گذر کنایه می توان به اسلوبی دلکش و مؤثر بیان کرد» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۳: ۱۴۱). شاعران در شعر کودک و نوجوان از کنایه برای واداشتن مخاطب به تفکر و تحلیل، رشد ذهنی و افزایش قدرت درک و تحلیل آن ها، و هم چنین آگاهی از کنایه ها، موقعیت کاربرد، و معانی آن ها استفاده کرده اند. موی دماغ شدن کنایه از مزاحم شدن است (ثروت ۱۳۹۶: ۴۳۹).

- خوردی و خوابیدی شب و روز / آقا شدی در خانه من / ... / یک دفعه یاد موش کردی / وحشی گری آمد سراغت / آن خلق و خوی نفرت انگیز / شد باز هم موی دماغت (کیانوش ۱۳۷۸: ۲۲).

- اصطلاح ها

اصطلاح واحد معنی داری است که از یک یا چند عنصر زبانی ساخته شده است تا با هم مفهوم واحدی را برساند. به عبارت دیگر، اصطلاح ها گفتار قالبی شده ای اند که اغلب در شرایط خاص و محدود اجتماعی به کار می روند. به اصطلاح ها و زبان زدهای عامه نیز ساخت های قالبی می گویند (ذوالفقاری ۱۳۹۴: ۳۸۵).

دعاها، تعارف ها، نفرین ها، و القاب از اصطلاح های عامه مطرح در شعر کودک و نوجوان اند. شاعران این اصطلاح ها را با هدف آموزش آن ها و موقعیت استفاده و نحوه کاربردشان و از همه مهم تر، نحوه برقراری ارتباط با دیگران در شعرشان مطرح کرده اند. چنان که اصطلاح های مربوط به تعارف در شعر کودک بیش تر جنبه تأکیدی بر نحوه برقراری و تقویت و تحکیم روابط اجتماعی در بین افراد دارند. به عبارتی، هدف شاعران از این اصطلاح ها تربیتی - آموزشی است، زیرا این اصطلاحات «در روابط متقابل عاطفی و

اجتماعی و مناسبت‌های گوناگون زندگی به‌ویژه در مهمانی‌ها و آیین‌های سور و سوگ میان مردم ردوبدل می‌شوند» (همان: ۳۹۱)

- هوای نوبهاری/ نم‌نم باران/ چهچه‌ی قناری/ بر لب ایوان/.../ بهار پشت شیشه/ جشن جوانه/ خنده و دیده‌بوسی/ خانه به خانه/ عید شما مبارک/ عید شما هم/ همیشه شاد باشیم/ همیشه با هم (شعبانی ۱۳۹۵: ۳۰).

چنان‌که می‌بینیم، شاعر بهترین دست‌آویز یعنی دیدوبازدید نوروز را در آموزش اصطلاحات تعارفی و تقویت روحی و روانی به‌کار گرفته است. در موردی دیگر، شاعر خوش‌آمدگویی به مسافر را در قالب شعر و تعارف به کودک آموزش می‌دهد.

- شهر گل محمدی/ مسافری؟ خوش آمدی (پرشاد ۱۳۸۹: ۴۴).

غرض شاعر با این خوش‌آمدگویی، که نشان از ادب و احترام دارد، تقویت روابط اجتماعی و آموزش اصطلاح‌ها برای بهبود روابط است؛ از این رو اصطلاح «خوش آمدی» را به بهترین نحو و در جایگاه مطلوب (یعنی درمقابل مسافر و میهمان) به‌کار می‌برد تا کودک نیز آن را انجام دهد.

جنبه معرفتی دعا، که بیش‌تر برای وطن به‌کار رفته است، در تحریک حس وطن‌دوستی، دفاع از سرزمین مشترک، و مزین شدن به صفات پسندیده‌ای چون شجاعت است.

- ای خاک پاک ایران/ نترس با تو هستیم/ ما بچه‌های ایران/ به‌پای تو نشستیم/ با دست‌های کوچک/ برات دعا می‌کنیم/.../ الهی که تو باشی/ پاینده و درخشان/ ما یک‌صدا می‌گوییم/ آباد باش ای ایران (همان: ۵۳).

- تلمیحات

این بخش از زبان عامه بهترین ابزار در آموزش و تعلیم به‌شمار می‌رود، زیرا نه‌تنها کوتاه و مجمل است و به‌جای نقل کردن می‌توان از طریق آن بسیاری نکات را خاطر نشان کرد، بلکه می‌توان از گذشته فرهنگی و تاریخی نیز به مخاطب آگاهی داد. چنان‌که شاعر در نمونه زیر بیان می‌کند، قصه گذشتگان مایه جان است و با استناد به زندگی گذشتگانی چون رستم به این موضوع تأکید می‌کند که باید گذشتگان را باور کرد.

بابابزرگ، قصه‌ای امشب/ از روزهای دور بیاور/ یک آسمان شکوفه شادی/ باغ‌های نور بیاور/.../ بابابزرگ، رستم داستان از سرزمین قصه چرا رفت؟! بیژن به چاه ماند و منیژه/ با آن دل شکسته کجا رفت؟! بابابزرگ قصه امروز/ هر جا که هست غصه نان است/ از روزهای دور بیاور/ آن قصه را که مایه جان است (کیانوش ۱۳۷۸: ۷).

۵.۱.۲ آداب و رسوم

۱.۵.۱.۲ مراسم ازدواج

ازدواج در هر ملتی آداب خاص خود را دارد. ایرانی‌ها این امر مقدس را در روزها و مراحل چند با آداب و رسوم خاصی برگزار می‌کنند. این مراسم با خواستگاری آغاز و در ادامه با بله‌بران و عقد و ... به ازدواج ختم می‌شود. اگرچه به‌نظر می‌رسد شعر کودک و نوجوان خالی از این‌گونه مسائل باشد، اما شاعران این مسئله را هم نادیده نگرفته و با ذکر آن اهدافی را دنبال کرده‌اند. چنان‌که شاعر می‌گوید:

... / سومی سوسن و سنبل / سلام و یه دستۀ گل / چهارمی چاره‌کاره / گفت‌وگو، قول‌وقراره / گل و چای و خواستگاری / دو کبوتر، دو قناری / ... / ششمی شیرینی‌خورونه / یا همان بعله‌برونه / ... / هفتمی هفت آسمونه / آقا داره عقد می‌خونه / هشتمی هر شب هفته / کوه عروس؟ مهمونی رفته / آقا داماد تو کجایی؟ / هردو رفتن پاگشایی / ... / دهمی دایره و دنبک / مبارک باشه، مبارک (رحماندوست ۱۳۸۸: ۱۲).

با تأمل در شعر درمی‌یابیم هدف شاعر علاوه بر آشنایی مخاطب با رسوم ازدواج بیان اهمیت تشکیل خانواده است، ضمن این‌که شاعر در ترویج ازدواج سنتی کوشیده است و می‌خواهد ازدواج سنتی و آداب مربوط به آن در ذهن کودک و نوجوان نهادینه شود.

۶.۱.۲ باورهای عامه

باورهای عامه بخشی از فرهنگ عامه جوامع را در بر می‌گیرد. در این بخش می‌توان با عقاید و طرز نگرش مردم آشنا شد. در شعر کودک به پاره‌ای عقاید عامه، به‌ویژه اعتقاد به موجودات فراطبیعی، اشاره شده است. در شعر زیر سخن از پری ریشه اعتقادی دارد:

عینکی روی ساحل / یه شیشه پیدا کرده / دل رو زده به دریا / در اونو واکرده / تو شیشه یک کاغذ / یه چیزی روش نوشته / مامان می‌گه: «فکر کنم / کاغذ سرنوشته» / نوشته روش: «هرکسی / این شیشه رو واکنه / باید بیاد و من رو / تو دریا پیدا کنه» / عینکی می‌گه: «حتماً / پری مهربونه» (مزینانی ۱۳۸۹: ۴۰).

گاهی نیز از دیو سخن رفته است. در شعر کودک تصویری که کودک از دیو دارد معمولاً نیرومندبودن آن است.

امروز من تنهای تنها / توی اتاقم مانده بودم / چون خواهرم را وقت بازی / این‌بار هم ترسانده بودم / من توی بازی می‌شوم دیو / پُرزورتر از من کسی نیست / او می‌شود زندانی من / زندان او صندوق بی‌بی است (راد ۱۳۷۷: ۱۸).

شاعر در این شعر به صورت غیرمستقیم مخاطب را به دارابودن صفاتی چون شجاعت و دلیری و نیرومندی تشویق می‌کند.

روی هم‌رفته، اگرچه در شعر کودک و نوجوان از این موجودات فراطبیعی سخن می‌رود، با توجه به قدرت تحلیل کودک، هدف شاعران از کاربرد آن‌ها علاوه بر نشان‌دادن اعتقادات پیشینیان و آشنایی کودک با این باورها به تصویرکشیدن شناخت اولیه کودک از این موجودات (پری به مهربانی و دیو به نیرومندی و ترسناکی) نیز است.

۲.۲ عناصر مادی فرهنگ

عناصر مادی پدیده‌هایی‌اند که «محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و علمی هستند، مانند فنون و ابزارها» (روح‌الامینی ۱۳۶۵: ۲۴). شاعران کودک و نوجوان از این عناصر هم‌چون عناصر معنوی در شعرشان بهره جسته‌اند و از ذکر آن‌ها اهدافی چون شناساندن هویت، تمدن و فرهنگ، ایجاد پیوند فرهنگی بین نسل‌ها، ترویج فرهنگ و هنر ایرانی، و آشنایی با پیشینه تاریخی و فرهنگی را دنبال کرده‌اند.

۱.۲.۲ ابزار

فرش یکی از جلوه‌های هنر و فرهنگ ایرانی در سراسر دنیاست؛ از این رو یکی از مهم‌ترین وظایف اهل فرهنگ و قلم این است که زمینه ذهنی و فرهنگی این پدیده هنری را در میان مردم به‌ویژه کودکان زنده نگاه دارند تا چنین ارزش‌هایی از همان کودکی در روح و روان کودکان نهادینه شود. البته این لزوماً به معنای آموزش هنر فرش‌بافی نیست، بلکه ایجاد نوعی پیوند فرهنگی است (حجوانی ۱۳۸۵: ۲۶). برخی از شاعران در این زمینه کوشیده و در ترویج فرهنگ و هنر غنی ایرانی گام‌هایی برداشته‌اند.

دار قالی / کلاف رنگارنگ / رشته‌ها، رشته‌های ابریشم / ... / یک ترنج بزرگ / در دل متن / نقش‌ها نقش‌های ایرانی / گوشه‌هایش پر از کلاله ریز / در خطوط کنارۀ قالی / برگ‌ها برگ‌هایی از پاییز / رقص انگشت‌های دخترکان / گردش شانه، پای کوبی دف / جشن یک جشن باشکوه شکار / شاه و سیل سوار / ... / گردبرگردشان نشسته به راه / یک ردیف از فرشتگان، خاموش / اخم‌ها در هم و گره‌به‌گره / سبد میوه‌هایشان بر دوش / ... (شعبانی ۱۳۹۲: ۵۱).

در این شعر، کودکان با ابزار قالی‌بافی (دار، کلاف، رشته) و نقش قالی (از جمله ترنج که یکی از کهن‌ترین نقش‌های فرش ایرانی است) آشنا می‌شوند. شاعر آشنایی با این هنر و

نکات ریز آن را، که در حکم گنجینه‌ای فرهنگی است، برای نسل‌های بعدی ضروری دانسته و با صحبت از آن پیوند فرهنگی را ایجاد کرده است.

۲.۲.۲ مکان‌ها و آثار

۱.۲.۲.۲ آثار و بناهای تاریخی

آثار و بناهای تاریخی که نشان از تمدن و فرهنگ چند هزارساله ملت‌ها دارند یکی از عناصر مادی فرهنگ محسوب می‌شوند. در اشعار کودک، هدف از شناساندن آثار تاریخی نه تنها شناساندن هویت، تمدن، و فرهنگ بوده، بلکه شناساندن ارزش‌های آن‌ها نیز است، زیرا هویت و شناخت ارزش آثار در ارتباطی مستقیم‌اند. یعنی «شناخت جامع ارزش‌های آثار تاریخی در راستای شناخت کامل فرهنگ و هویت آن جامعه‌ای است که آثار تاریخی در آن قرار دارد. چنین شناختی می‌تواند ابعاد مختلف جهان‌بینی انسان‌های جامعه را در دوره‌های تاریخی نمایان سازد» (نژاد ابراهیمی ۱۳۹۲: ۷۹)، وقتی شاعر می‌گوید:

این شهر که می‌بینی / پر شده از قشنگی / یه جا داره به اسم / میدون شیرسنگی / یه تندیس قدیمی / که جنسی داره از سنگ / یک اثر تاریخی / یه شیر ناز و قشنگ / یه جایی هست به اسم / تپهٔ حکمتانه / نشانه از قدمت / شهر ما همدانه (کوثری هنرمند ۱۳۹۲: ۷).

وی یک اثر و به دنبال آن بنای تاریخی را معرفی می‌کند که در خود ارزش‌های فرهنگی و تاریخی را نهفته است. او با این معرفی مخاطب را به دل گذشته و تاریخ می‌برد و با تمدن، آثار، و سرگذشت نیاکان آشنا می‌کند. اما نکتهٔ دیگر این است که شاعر بعد از معرفی اثر و بنای تاریخی به نام شهری که اثر و بنا در آن واقع شده اشاره می‌کند و این نشان می‌دهد که آثار و بناهای تاریخی در ارزش‌گذاری شهرها نقش عمده‌ای دارند، زیرا آن اثر متعلق به آن شهر است. چنان‌که شاعر وقتی تپهٔ حکمتانه را معرفی می‌کند می‌گوید: نشان از قدمت شهر همدان دارد. پس آثار و بناهای تاریخی در شعر کودک با اهداف خاصی چون معرفی، آگاهی از هویت، فرهنگ و تاریخ، شناساندن ارزش آثار تاریخی، و هم‌چنین نقش آن آثار در ارزش‌گذاری شهرها گنجانده شده‌اند.

البته ناگفته نماند گاهی هدف شاعر از اشاره به بناهای تاریخی تأکید بر شاخصه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ ایرانی است. چنان‌که در شعری که در ادامه می‌آید شاعر نه تنها قصد دارد کودک را با مسجدی تاریخی آشنا کند، بلکه به صورت ضمنی این نکته را هم به گوش کودک می‌رساند که مسجد جامع در فرهنگ ایرانی بیش‌تر در مرکز شهر واقع می‌شود و یکی از دلایل آن این است که همهٔ اقشار بتوانند برای نمازهای گروهی در

آنجا حاضر شوند و این شعر در واقع نظری دارد به پیشینه تاریخی و فرهنگی ارتباط مسجد و بازار در فرهنگ ایرانی.

با پیش نهاد حسن / رفتند شهر همدان / ... / این جا وسط شهره / جای خرید و بازار / هم جای رفت و آمد / هم مرکز کسب و کار / مسجد جامع شهر / واقع شده در این جا / یه مسجد تاریخی / با یه بنای زیبا (همان: ۵).

۲.۲.۲ مقبره بزرگان علم و ادب

شاعران و نویسندگان نقش مهمی را در اعتلای فرهنگ و ادبیات جوامع ایفا می کنند، به ویژه وقتی آثار برخی از این افراد از اجتماع و زندگی مردم نشئت می گیرد نقش آن ها در ترویج فرهنگ و غنی سازی آن افزون می شود، زیرا شعرشان بستری برای بیان آداب و مسائل اجتماع می شود. پس آشنایی با چنین افرادی و آثارشان آشنایی با فرهنگ و ادبیات آن جامعه و دوره است، وقتی شاعر می گوید:

به به! به شیراز / این شهر زیبا! / با آن کتاب / ناز و فریبا / در حافظیه / من شاد گشتم / از هرچه اندوه / آزاد گشتم / آن جا کسی هست / که شاعر ماست / نام عزیزش / در خاطر ماست / او خواجه حافظ / استاد اشعار / او گل و خاکش / مانند گلزار (پرشاد ۱۳۸۹: ۴۱)،

هدفش از سخن راندن از حافظیه و مقبره شاعر شناساندن حافظ، یکی از بزرگان شعر و ادب ایرانی، و آشنایی کودک با پیشینه فرهنگ غنی ایران است، زیرا حافظ از شاعرانی است که شعرش چون آینه ای فرهنگ ایرانی را منعکس می کند. در این جا، عنصر مادی دست آویزی برای معرفی پیشینه ادبی و فرهنگی ایران است.

۳.۲.۲ خوراک

یکی از راه های درک فرهنگ، که می توان به کمک آن به گنجینه بزرگی از معانی دست یافت، غذا و تنوع موجود در آن است. به واقع، تاریخ تکامل و تحول فرهنگ با تاریخ تحول و تکامل غذا در هم تنیده است. غذا جهان بینی، باورها، و آموزه های فرهنگی و تمدنی جامعه را انعکاس می دهد. در ایران نیز غذا تاریخی به قدمت فرهنگ و تمدن ایرانی دارد (حسن زاده ۱۳۹۶: «مقدمه»). از این رو اشاره به آن در شعر کودک ضروری دانسته شده است، چنان که در این شعر غذای مخصوص اصفهان معرفی می شود:

می گن که اصفهان نصف جهان / ... / غذای معروف اونا «کله جوش» / تو قابلمه هی می خوره جوش و جوش (پرشاد ۱۳۸۹: ۴۰).

مبانی معرفتی عناصر فرهنگ عامه در اشعار کودک و نوجوان (مریم کمالی و دیگران) ۱۸۳

اگرچه معرفی خوراک شهرها موضوعی عادی به نظر می‌رسد، اما گفتنی است که کودک در پی آشنایی با آن با تنوع قومی و اقلیمی آشنا می‌شود و از آن‌جا که تنوع قومی و اقلیمی در ایران چشم‌اندازی دیگر از تنوع فرهنگی را در رخساره رنگارنگ غذاها مجسم می‌کند (حسن‌زاده ۱۳۹۶: «مقدمه»)، اهمیت مسئله آشکار می‌شود.

۴.۲.۲ سوغاتی

سوغاتی عنصری مادی از فرهنگ و نماینده فرهنگ و هنر اقوام است، زیرا می‌تواند از دستاوردها، هنرهای دستی، و آثار هنری ملل باشد؛ البته این عنصر بار اعتقادی را نیز به‌دوش می‌کشد. در شعر کودک و نوجوان، سوغاتی برخی از شهرها معرفی شده است. اگرچه ما به‌صورت مستقیم شاهد بار معرفتی این عنصر نیستیم، اما به‌صورت غیرمستقیم ملاحظه می‌شود که سوغاتی‌دادن از موارد استحکام و نیروبخشیدن به روابط اجتماعی و انسانی است. از این‌رو شاعر مخاطب را به آن دعوت می‌کند.

سوغات این شهر عسل و سرشیره/ هرکی می‌ره از هر دو تاش می‌گیره/ تابستونا با مامان و باباتون/ همه برین سرعین بچه‌ها جون (پرشاد ۱۳۸۹: ۴۳).

جدول ۱. فراوانی عناصر معنوی فرهنگ^۱

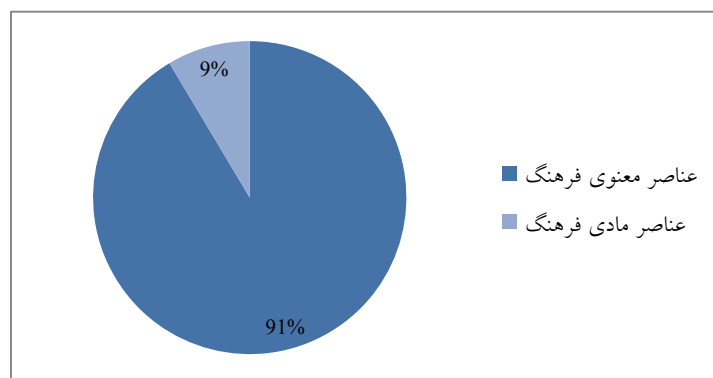
دهه	لالایی	چیستان	آیین	زبان عامه	رسوم	باورها	فراوانی	درصد
۱۳۷۰	۲	-	۵	۴۱	-	۴	۵۲	۱۵/۲۰
۱۳۸۰	۱۳	۳۹	۱۲	۳۰	۱	۶	۱۰۱	۲۹/۵۳
۱۳۹۰	۷۹	۳۰	۱۷	۵۱	۱	۱۱	۱۸۹	۵۵/۲۷
جمع							۳۴۲	۱۰۰

جدول ۲. فراوانی عناصر مادی فرهنگ

دهه	ابزارها	مکان‌ها و آثار	خوراک	سوغات	فراوانی	درصد
۱۳۷۰	۲	-	-	-	۲	۶/۲۵
۱۳۸۰	۲	-	۱	۴	۷	۲۱/۸۷۵
۱۳۹۰	۵	۱۴	۱	۳	۲۳	۷۱/۸۷۵
جمع					۳۲	۱۰۰

جدول ۳. مجموع فراوانی‌ها

عناصر	فراوانی	درصد
معنوی	۳۴۲	۹۱
مادی	۳۲	۹
جمع	۳۷۴	۱۰۰



۳. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاعران حوزه کودک و نوجوان با کاربرد عناصر فرهنگ عامه (مادی و غیرمادی) به صورت آگاهانه در شعر، علاوه بر آموزش آن‌ها به مخاطب و ارائه تصویری روشن از فرهنگ جامعه، در احیا و انتقال عناصر فرهنگی تلاش کرده‌اند. آن‌ها نقش هر دو عنصر سازنده فرهنگ عامه را در شناخت و تداوم فرهنگ جامعه ضروری دانسته و هر دو را یادآور شده‌اند. اگرچه بسامد عناصر معنوی فرهنگ در سه دهه اخیر (۳۴۲ مورد) از عناصر مادی (۳۲ مورد) در شعرشان بیش‌تر است، اما آن‌ها با کاربرد هر دو عنصر بسیاری از مبانی تربیتی، اخلاقی، روان‌شناسی، اجتماعی، و ... را آموزش داده‌اند. در واقع، کاربرد هرکدام از عناصر فرهنگی توسط شاعران این حوزه رویکرد معرفتی و تربیتی دارد، چنان‌که آنان با بیان جشن‌ها، رسوم، و باورهای خفته در بطن آن‌ها (عناصر معنوی) نه تنها گام بزرگی را در شناخت بخشی از مبانی هویت ملی به کودک برداشته‌اند، بلکه موجبات حفظ و صیانت فرهنگ و هویت ملی خویش را فراهم آورده‌اند. این درحالی است که در کنار این موضوع به تحکیم روابط خویشاوندی و خانوادگی نیز تأکید کرده‌اند یا هدفشان از بیان چیستان و لالایی‌ها آموزش، سرگرمی، رشد عواطف و هیجانات، پرورش

ذهنی کودک و نوجوان، و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی آن‌ها بوده است. هم‌چنین، زمانی که از عناصر مادی چون آثار و بناهای تاریخی، و ... در شعر سخن رانده‌اند، علاوه‌بر معرفی، هدفشان آگاهی از هویت، فرهنگ، تمدن و تاریخ، شناساندن ارزش آثار تاریخی و نقش آن آثار در ارزش‌گذاری شهرها، آشنایی با سرگذشت نیاکان، ایجاد پیوند فرهنگی بین نسل‌ها، ترویج فرهنگ و هنر، و ... بوده است.

پی‌نوشت

۱. کتاب‌های اشعار سه دهه اخیر که بررسی شده و فراوانی‌های جدول‌ها براساس آن‌ها تنظیم شده است عبارت‌اند از:

- باغ سبز شعرها، یاس و پرنده، آب مثل سلام، آواز پویک، باغ سیب، تو بوی سیب می‌دهی، چیستم من، قالی رنگین‌کمان، پرنده خواهر من است از جعفر ابراهیمی؛

- بابا آمد نان آورد، فصل بهار بنویس، چشمه نور، اون چیه که ...؟! اون کیه که ...؟!، گل و چای و خواستگاری، روز خوب پیروزی، اون چیه که قشنگه، اون چیه که دور زمین می‌گرده، اون چیه که سفیده، اون چیه که شیرینه، اون چیه که پا نداره، خاله جان دی‌دو و چندتا گردو از مصطفی رحماندوست؛

- شاعر و شب‌بو، ساز شاخه‌ها، پولک ماه، ساز من ساز جیرجیرک، پروانه و گل‌سر، تاب تاب تاب‌بازی، رنگین‌کمان کودکان، زمین ما دل ما، لالا لالا عروسک جان، یک نفر رد شد از کنار دلم، ترانه‌های سبز و آبی، با قطار باد، علی کوچولو کلاغ شد، آواز توکا، هرکی یه رنگی داره، گل آفتاب‌گردان، تکه‌ای از دریا، آخرین پرنده آزاد از اسدالله شعبانی؛

- بابا و باران، من و خواب جنگل، زنبور و سیب قرمز، کلاغه به خونه‌ش نرسید، گرپ گرپ، سلام آدم فضایی، چتری از گل‌برگ‌ها از افسانه شعبان نژاد؛

- کلاغ زرد، آه پونه، چکه‌ای آواز تکه‌ای مهتاب، میوه‌هایشان سلام! سایه‌هایشان نسیم، باغ رنگارنگ آواز قشنگ، فرشته‌ای از آسمون، پاییز خانم، از برگ گل بهتر، پوتکا و پوتکا، دلنگ و دلنگ، هم‌چین و هم‌چین، قد سر سوزن، کی بود کی بود؟ ملاد بود، خط تو نوکش زیاد بود از ناصر کشاورز؛

- بچه‌های جهان، زبان چیزها، جم‌جمک از محمود کیانوش؛

- به‌خاطر خروسه، دست‌کوچولو پاکوچولو، خاله ریزه و صندوق جادویی، خاله ریزه و گنج بزرگ، خاله سوسکه و آقا موشه، خاله سوسکه و وروجک، دامن چین‌چینی، بود و بود و بود از شکوه قاسم‌نیا؛

- تنها خدا فهمید، خدا رنگ‌گلابی، شعر سبزه‌ها، هیئت گل‌ها از احمد خدادوست؛

- آقای تابستان، اسب حنایی، چشمه خانم، کفشی به رنگ کفش دریا از منیره هاشمی؛
- گنجشک پر... جوراب پر، میو میو... تشکر، یک قوری پراز قور، وای اگر دم داشتیم از
مریم هاشم پور؛
- دامادی آقا کلاغه، صدای بال لک لک ها، چهل و هشت لالایی برای چهار فصل از
مریم اسلامی؛
- کودکان شاد ایران، مردمان خوب ایران، پرچم زیبای ایران، نقشه زیبای ایران از
سید محمد مهاجرانی؛
- رونویسی از بهار، با دو چشمم می چشم از غلامرضا بکناش؛
- آسمان کوچک، صدای ساز باران، درخت خانه ما از محمود پورهاب؛
- ساندویچ قطار، دمپایی خورشید از حسین تولایی؛
- بچه پیراهن، بوریم بازار، ایران دوستت دارم از مهری ماهوتی؛
- چکاوک و چمنزار، یک تکه بال صورتی، مثل یک لبخند از صفورا نیری؛
- دم گریه ها را بکش، قج قج از طیبه شامانی؛
- تنها انار خندید، ترانه های نی نی عینکی از محمد کاظم مزینانی؛
- سرزمین گل ها، اسم قشنگ یلدا از کمال شفیعی مشعوف؛
- هم ملوس و هم زیباست، ای خدا نگاهم کن از مهدی وحیدی صدر؛
- بچه ها بهار را صدا کنید، مثل پر پروانه از حمید هنرجو؛
- غم های قابلی، خنده های ماه از شاهین رهنما؛
- کاش باران می شدم، زندگی یک لبخند از داوود لطف الله؛
- بلدم شعر بگویم از افشین علاء؛ دانه و هندوانه از اسدالله اسحاقی؛ دوربین خدا از اسماعیل
الله دادی، کلاس بهار از محمدحسن حسینی؛ یک قاچ هندوانه از زهرا داوری؛ گل بادام از پروین
دولت آبادی؛ شب تاریک از فریدون سراج؛ قصه طوقی از م. آزاد؛ پشت سر پاییز از مهدی
مردانی؛ آب و تاب از سعیده موسوی زاده؛ گل اومد بهار اومد از منوچهر نیستانی؛ خواهرم پرنده
شد از بابک نیک طلب؛ قوی قشنگ ابری از زهرا وثوقی؛ لالایی های من از سمانه اسدی؛ شهر
آینه های رنگی از سارا پرشاد؛ وقت گل برف از مریم زندگی؛ مهمانی کوچک از رابعه راد؛ داستان
انقلاب از بنفشه رسولیان بروجنی؛ ترانه های کودکانه عمو بچه از علیرضا سلیمانی؛ تیر برق و
مورچه از شهلا شهبازی؛ سرزمین ایران از داریوش صادقی و مریم ماستری؛ من بچه شیعه هستم
از سید محمد هادی صدر الحافظی؛ حسنی چه شاد و خندان داره می ره همسان از مریم کوثری
هنرمند؛ گل یخ از نوشین نوری؛ کوچه دریاچه ها از بیوک ملکی؛

مبانی معرفتی عناصر فرهنگ عامه در اشعار کودک و نوجوان (مریم کمالی و دیگران) ۱۸۷

- مجموعه‌های اشعار: ترانه‌های نوروزی؛ نسیم دختر باد؛ آب و مهتاب؛ ترانه‌های بابایی؛
ترانه‌های شهر؛ پنجره‌ای رو به ماه؛ بلبل‌ی در دهانم لانه دارد؛ آسمان دریا شد.

کتاب‌نامه

- اسلامی، مریم (۱۳۹۳)، *چهل‌وهشت لالایی برای چهار فصل*، تهران: قدیانی.
- بهمنیار، احمد (۱۳۶۹)، *داستان‌نامه بهمنیاری*، تهران: دانشگاه تهران.
- پرشاد، سارا (۱۳۸۹)، *شهر آیین‌های رنگی*، تهران: همداد.
- ثروت، منصور (۱۳۹۶)، *فرهنگ کنایات*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حجوانی، مهدی، لزگی، حبیب‌الله (۱۳۸۵)، «تجلی فرش و قالی در ادبیات کودک ایران»، *انجمن علمی فرش ایران*، س ۱، ش ۲.
- حسن‌زاده، علیرضا (۱۳۹۶)، *غذا در آیین فرهنگ*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۲)، «لالایی‌های مخملین»، *پژوهش‌نامه ادب غنایی*، س ۱، ش ۱.
- حکمت، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، *امثال قرآن*، آبادان: پرسش.
- دین‌محمدی کرسفی، نصرت‌الله (۱۳۸۴)، «زبان و فرهنگ عامیانه در دیوان صائب»، *نامه پارسی*، دوره ۱۸، ش ۳۶.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴)، *زبان و ادبیات عامه ایران*، تهران: سمت.
- راد، رباعه (۱۳۷۷)، *مهمانی کوچک*، تهران: سروش.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۸)، *گل و چای و خواستگاری*، تهران: پنجره.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۳ الف)، *اون چیه که پا نداره؟*، تهران: آبرنگ.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۳ ب)، *اون چیه که سفیده؟*، تهران: آبرنگ.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۳ ج)، *اون چیه که شیرینه؟*، تهران: آبرنگ.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۳ د)، *اون چیه که قشنگه؟*، تهران: آبرنگ.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۵)، *زمینه فرهنگ‌شناسی*، تهران: عطار.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۸۰)، *پنج مقاله درباره ادبیات کودک*، تهران: ترفند.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۸۶)، «پیوندهای آوایی و شعر عباس یمنی شریف»، *پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان*، ش ۵۰.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۸۷)، *لالا لالا عروسک جان*، مشهد: به‌نشر.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۹۱)، *علی کوچولوی شکمو*، تهران: قدیانی.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۹۲)، *آواز توکا*، تهران: توکا.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۹۵)، *تکه‌ای از دریا*، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

۱۸۸ تفکر و کودک، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- شفیعی مشعوف، کمال (۱۳۹۲)، *اسم قشنگ بلاد*، تهران: آگرین.
- شهبازی، شهلا (۱۳۹۵)، *تیر برق و مورچه*، تهران: امیرکبیر.
- قزل ایاغ، ثریا (۱۳۹۲)، *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*، تهران: سمت.
- کاتبی، حسین علی (۱۳۸۰)، *ادب و ادبیات*، تهران: نشر مرکز.
- کشاوری، ناصر (۱۳۹۲)، *همچین و همچین*، تهران: شهر قلم.
- کوثری هنرمند، مریم (۱۳۹۲)، *حسنی چه شاد و خندان داره می‌ره هم‌مان*، تهران: اردیبهشت.
- کیانوش، محمود (۱۳۷۸)، *بچه‌های جهان*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان نوجوان.
- مزیانی، محمدکاظم (۱۳۸۹)، *ترانه‌های نی‌نی عینکی*، تهران: افق.
- نژاد ابراهیمی، احد و دیگران (۱۳۹۲)، «ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی - تاریخی»، *مرمت و معماری ایران*، س ۳، ش ۶.
- نصیری، قدیر (۱۳۸۷)، *مبانی هویت ایرانی*، تهران: تمدن ایرانی.